

## « بیست و یکمین شرح از دعای ابوحمزه ثمالی »



گر چه همواره راه نیایش عید و مولا باز است، ولی برای زمان مشخص مانند ماه مبارک رمضان که عید اولیای الهی است، فضیلت مخصوص است...

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ (1).

یکی از خصوصیت های بارز دعای ابوحمزه ثمالی این است که وجود مبارک امام سجاد (صلوات الله و سلامه علیه) آن حالت های اضطراری را برای انسان دعا کننده تجسیم می کند . و انسان نیایشگر با ترسیم آن حالت ها خود را مضطر می بیند . وقتی که مضطر یافت ، دعای چنین انسانی مستجاب خواهد بود . سر اینکه دعای مضطربین مستجاب است ، آن است که انسان در حال اضطرار می بیند و می یابد که آنصاب و اسباب از او منقطع اند . کار فقط در دست خداست ، عَلِي لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ . لذا او را می طلبد ، نه غیر او را ! نه به خودش متکی است ، نه به غیر خود از علل و عوامل دیگر . چنین کسی در این حال موحد ناب است . از موحد ناب دعای خالص نشأت می گیرد . دعای خالص هم مستجاب خواهد بود.

وجود مبارک امام سجاد (سلام الله علیه) برای ترسیم حالت اضطرار ، جریان مرگ و حالت شستشو ، حالت خنوط دادن ، حالت کفن کردن ، حالت نماز گزاردن بر میت ، حالت دفن کردن در قبر را کاملاً ترسیم می کند . خوب يك کسی که محتضر است ، بعد او را به شستشو خانه بردند که غسل ها او را غسل بدهند ؛ او را ، بدن او را زیر و رو می کنند و غسل می دهند ، شستشو می دهند . بعد از غسل خنوط می ریزند ، بعد کفن ، بعد نماز ، بعد دفن می کنند . در این حال انسان جز اضطرار چیز دیگری ندارد.

وجود مبارک امام سجاد (سلام الله علیه) این حالت ها را ترسیم می کند . عرض می کند که : **«وَاغْفِرْ لِي مَا عَلَي الْأَدْمِيِّينَ مِنْ عَمَلِي وَ أَيْدِي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي»** . اولاً : آنچه را که تو می دانی و دیگران نمی دانند ، به من رحم بکن و ببخش . و همانطوری که تا کنون ستار بودی ، از این به بعد هم این ستاریت ات را ادامه بده تا ستاریت ات به غفاریت ات منتهی بشود . بعد به عفو و صفو و مانند آن متصل بشود .

**«وَأَرْحَمَنِي صَرِيحاً عَلَي الْفِرَاشِ تَقَلَّبْتَنِي أَيْدِي أَحَبَّتِي»** . آن وقتی که من مضطرب ام ، افتادم روی فرش و دستان دوستان من مرا زیر و رو می کنند ؛ آن وقتی که مرا در مغتسل بردند برای شستشو و دوستان و همسایه های صالح می خواهند مرا غسل بدهند ؛ آنوقتی که بعد از غسل دادن ، کفن کردند و اطراف جنازه و کفن را گرفتند ، می خواهند منتقل کنند به طرف گورستان ، **«وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولاً فَذْ تَسَاوَلِ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي»** ؛ آنوقت که دارند تشییع می کنند و هیچ توانی برای من نیست ، چون قدرتی ندارم و مرده ام ، به من رحم بکن . آن وقتی که مرا تنهایی در قبر می گذارند ، در آن گودال می گذارند ، نسبت به من جُود و بخشش روا بدار ! و در آن اتاق یا خانه تنها که مرا گذاشتند ، وحدت و غربت مرا مورد تَفَقُّد قرار بده ! تا به غیر تو اُنس نگیرم ، یا سیدی ! برای اینکه اگر مرا به خودم واگذار کردی ، هلاکت دامنگیر من می شود ، اصلاً غیری در کار نیست . انسان محتضر ، انسان در مغتسل ، انسان محمول در دست برداران و همسایه ها که به گورستان می رود ، انسان مقبور و به قبر رفته کاملاً مشاهده می کند که احدی جز ذات اقدس إله مالک امر و خلق نیست ! در چنان حالی جز ضعف خودش و عجز خودش از يك سو و قدرت و توان ذات اقدس إله از سوی دیگر را مشاهده نمی کند . این حال را وجود مبارک امام سجاد ترسیم می کند و برای

چنین حالی دعا می کند . عرض می کند : **”سَيِّدِي فِيمَنْ أَسْتَعِيثُ إِنْ لَمْ تُقَلِّبِي عَثْرَتِي فَالِي مَنْ أُرْعَ إِنْ فَقَدْتُ عِنَايَتِكَ فِي ضَجْعَتِي وَ إِلَيَّ مِنَ الْتَجِي إِنْ لَمْ تُنْفَسْ كُرْبَتِي“** . پروردگارا ! فقر هست ، فاقه هست ، نیاز هست و هیچ راهی هم نیست . اگر بنا شد شما به نیازمندان و مستمندان کمک نکنید ، پس کی کمک بکند ؟

یک وقت است یک کسی نمی فهمد فقیر است ، یا می فهمد فقیر است ، ولی آجوج و عنود است ، به تو مراجعه نمی کند ! یک وقت کسی سراپا فقر را ادراک می کند و به درگاه تو پناهنده می شود . تو هم که کریمی ! **”سَيِّدِي مَنْ لِي وَ مَنْ يَرَحْمَنِي إِنْ لَمْ تَرَحْمَنِي . خُوبٌ إِنْ تُو بِه مَا رَحِمَ نَكْنِي ، مَا بِه كِي مَرَجَعَه بَكْنِيْم ؟ وَ فَضْلٍ مَنْ أُوْمَلُّ إِنْ فَقَدْتُ عُفْرَانَكْ“** ، اگر بخشش تو را از دست بدهیم ، فاقد مغفرت تو بشویم ، به کی مراجعه کنیم ؟ اگر در روز حاجت فضل تو را از دست بدهیم ، به کی مراجعه کنیم ؟ و اگر عمر ما به پایان برسد ، از گناه چگونه فرار کنیم ؟ مگر ممکن است کسی از گناه فرار بکند ؟ انسان تبهکار در گرو اعمال اوست . تا فک رهن نشد ، قدرت حرکت ندارد . **كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَه (2)** ، **كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْن (3)** . فقط اصحاب الیمین اند که انسان آزاد اند .

**”سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَ اَنَا اَرْجُوْكَ . الْهِي حَقَّقْ رَجَائِي وَ اَمِنْ خُوْفِي فَاِنْ كَثُرَه دُنُوْبِي لَا اَرْجُوْ لَهَا اِلَّا عَفُوْكَ“** . این همان مصداق بارز الحاح در دعاست . عرض می کند : پروردگارا ! من به تو امیدوارم ، دیگر من را عذاب نکن ! به تو مراجعه کردم ، مرا طرد نکن ! من امید ام به شماست ، این امید ام را به یأس مبدل نکن ! خوف ام را به أمن مبدل بکن ! برای اینکه برای گناهان زیادم هیچ تکیه گاه و پناهگاه و امید گاهی نیست ، مگر عفو تو !

عرض می کند : **”سَيِّدِي اَنَا اَسْئَلُكَ مَا لَا اَسْتَحِقُّ“** . اولاً من در این مسألت که الحاح دارم ، اصرار دارم ، خود را بدهکار می دانم ، نه طلبکار . طرد کنی ، روی عدل است . و من هیچ طلبی هم ندارم . برای اینکه حجت ات بر ما تمام شد بر اساس **لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنِّيْ بِبَيِّنَةٍ (4)** ، من دست به گناه دراز کردم ؛ هیچ حجتی ندارم . اگر انسان معذور باشد که **رُفِعَ عَنَّا اَمْرِي تِسْعَ (5)** ، در آنجا انسان به جهنم نمی رود . ولی من بدون عذر گناه کرده ام ، هیچ طلبی هم ندارم .

**”وَ اَنْتَ اَهْلُ التَّقْوٰی وَ اَهْلُ الْمَغْفَرَه“** . تو شایسته ای که ما در محضر تو از تو بهراسیم ، تقوای تو را رعایت کنیم ، اهل مغفرت هم هستی ! پس گناه ما را ببخش . **”وَ الْبِسْنِي مِنْ نَظْرِكَ ثُوْبًا يُعْطِي عَلَيَّ التَّيْبَعَاتُ“** . قبلاً دو جا داشتیم **وَ جَلَّلْنِي بِسِتْرِكَ . (جَلَّلْنِي)** یعنی آن جامه و آن جُل و آن غطای عفو را به پیکر ما بپوشان . این معنای جَلَّلْنِي بِسِتْرِكَ است ؛ یعنی قَطْبِي ، مرا بپوشان ! اینجا هم عرض می کند : **”وَ الْبِسْنِي مِنْ نَظْرِكَ ثُوْبًا يُعْطِي عَلَيَّ التَّيْبَعَاتُ وَ تَغْفِرُهَا لِي وَ لَا اَطَالِبُ بِهَا ، اِنَّكَ ذُوْ مَنْ قَدِيْمٍ وَ صَفْحٍ عَظِيْمٍ وَ تَجَاوُزٍ كَرِيْمٍ“** . خدایا ! تو اگر جامه عفو بر پیکر ما بپوشاندي ، ما به عنوان مَعْفُوْ تو در قیامت محشور می شویم . کسی که جامه عفو إله دارد که نمی سوزد ! پروردگارا ! تو کسی هستی که سبب و عطایت را بر کسانی که از تو چیزی نخواستند نازل می کنی ؛ آنهایی که منکر ربوبیت تو هستند ، آنها را از نعمت محروم نکردی . چگونه کسی که از تو سؤال می کند ، یقین دارد که خلق مال توست ، تدبیر مال توست ، تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ ؛ در دعاهای ماه رجب هم هست که : **يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ رَحْمَه (6)** . این همه کافران و ملحدان و منافقان اند که ذات اقدس إله اینها را دارد منتعم می کند ، برخوردار می کند . نعمت هستی داد ، بقای هستی داد ، نعمت های فراوانی داد ؛ عرض کرد : خدایا ! برای تو که فرق ای نمی کند . و کسانی را منتعم کردی که تو را قبول ندارند . کسانی را نعمت دادی که از تو سؤال نکردند ! ما را هم محروم نکن .

و اما نکته حساس این است که این در بعضی از بخش ها باید بازگو بشود ، و آن این است که خدا هرگز جاحدان و منکران و منافقان و غیر سائلین را از نعمت های معنوی برخوردار نکرده . مال می دهد که نشانه شرف نیست ! ولی ما باید مستحضریم ، از خدا چیزی می خواهیم که بر اساس **مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ مَا عِنْدَ اللّٰهِ بَاقٍ (7)** ماندنی است . از آن نعمت هرگز ذات اقدس إله به کسی که او را قبول نداشته باشد ، نمی دهد . ولی ما باید مستحضر باشیم ؛ لکن اصل مسئله این است : خدا بخشنده است ، برای او هم فرق نمی کند . برای گیرنده فرق می کند ، نه برای

بخشنده .

امیدواریم از آن نعمت های غیبی ذات اقدس اله به همه ما عطا بفرماید!

عَفَرَ اللَّهُ لَنَا وَ لَكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

پی نوشتها:

(1)سورة نمل / آية 62

(2)سورة مدثر / آية 38

(3)سورة طور / آية 23

(4)سورة انفال / آية 42

(5)بحار الأنوار / جلد 74 / صفحه 155 و 156 - رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَ الْخَطَاةِ وَالنِّسْيَانِ وَ مَا أَكْرَهُوا عَلَيْهِ وَ مَا لَا يَعْلَمُونَ وَ مَا لَا يُطِيقُونَ وَ مَا

اضْطَرُّوا إِلَيْهِ وَالْحَسَدَ وَ الطَّيْرَ هُوَ التَّفَكُّرُ فِي الْوَسْوَسةِ فِي الْخَلْقِ مَا لَمْ يَنْطِقْ بِشَفْهِ وَ لَا لِسَانٍ .

(6)مفاتيح الجنان / دعای روزهای ماه رجب

(7)سورة نحل / آية 96

برگرفته از سخنان آیت الله جوادی آملی